

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣١٠٢٧



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد «M.A»

رشته: علوم تربیتی

گرایش: برنامه‌ریزی درسی

عنوان

بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی
دانش آموزان سال سوم متوسطه شهر برازجان سال تحصیلی ۸۶-۸۵

استاد راهنما

دکتر پروین غیاثی

استاد مشاور

دکتر سیامک رضا مهجور

پژوهشگر:

علیرضا رزمجو

تابستان ۱۳۸۶

۱۳۱۰۲۷



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

رشته: علوم تربیتی

گرایش: برنامه ریزی درسی

عنوان

بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی

دانش آموزان سال سوم متوسطه شهر برازجان سال تحصیلی ۸۶-۸۵

پژوهشگر

علیرضا رزمجو

سال تحصیلی ۸۶-۸۵

۱۳۸۸ / ۱۲ / ۲

۵

۱

۴

۱- دکتر پروین غیاثی

۲- دکتر سیامک رضا مهجور

۳- دکتر حجت الله فانی

هیأت داوران:

تقدیم به :

روح عزیز تازه سفر کرده‌ام مرحوم دکتر ایرج رزمجو که با رفتش ما را تنها گذاشت.

مادر مهربانم، پدر زحمتکشیم، همسر عزیزم و خواهرم

و همچنین تقدیم به بهار زندگی‌ام، پویای عزیز

که همواره همگی در طول زندگی یار و یاور من بوده‌اند.

و تقدیم به همه کسانی که مرا علم آموختند.

سپاسگزاری :

سپاس از پروردگار جان و خرد، که توانایی آموختن علم و اندیشیدن را به انسان عطا کرد؛ بدینوسیله مقام شامخ استادان بزرگوار سرکار خانم دکتر پروین غیائی و جناب آقای دکتر سیامک رضا مهجور و جناب آقای دکتر حجت الله فانی را که سالها خوشه چین علم و معرفتشان بوده‌ام، ارج می‌نهم و از راهنمایی‌های ارزنده و خردمندانه آنان در مراحل مختلف این پایان نامه کمال سپاسگزاری را دارم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده.....

فصل اول : کلیات

۳	مقدمه.....
۶	بیان مسأله.....
۸	ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۱۰	سؤالات تحقیق.....
۱۰	سؤالات اصلی تحقیق.....
۱۱	فرضیات تحقیق.....
۱۱	سؤالات جنبی تحقیق.....
۱۱	فرضیات جنبی تحقیق.....
۱۲	اهداف تحقیق.....
۱۲	تعریف واژه‌ها و اصطلاحات.....
۱۲	تعریف نظری متغیرها.....
۱۳	تعریف عملیاتی متغیرها.....

فصل دوم : بررسی پیشینه و سوابق تحقیق

۱۵	خانواده و الگوهای فرزندپروری.....
۱۶	سخت‌گیری.....
۱۷	شیوه‌های فرزندپروری.....
۲۲	مفهوم سازگاری.....

۲۳ فرآیند سازگاری
۲۴ نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف درباره سازگاری
۲۸ انواع سازگاری
۳ مروری بر تحقیقات پیشین
۳۳ شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری فرزندان
۳۹ شیوه‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی
۴۴ جنسیت فرزندان و شیوه فرزندپروری والدین
۴۶ جنسیت و پیشرفت تحصیلی
۴۷ تفاوت سازگاری عمومی در دختران و پسران
۴۸ تفاوت سازگاری عاطفی در دختران و پسران
۵۰ تفاوت سازگاری اجتماعی در دختران و پسران
۵۱ تفاوت سازگاری آموزشی در دختران و پسران
۵۲ جمع‌بندی

فصل سوم : روش تحقیق

۵۶ جامعه آماری و نمونه مورد مطالعه
۵۶ روش تحقیق
۵۶ روش جمع‌آوری اطلاعات
۵۷ ابزار گردآوری اطلاعات
۵۷ ابزار سنجش شیوه‌های فرزندپروری
۵۸ ابزار سنجش پیشرفت تحصیلی
۶۰ ابزار سنجش سازگاری
۶۱ روش تجزیه و تحلیل آماری

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶۴ نتایج تحلیل مربوط به سؤال اول تحقیق
۶۵ نتایج تحلیل مربوط به سؤال دوم تحقیق

۶۶	نتایج تحلیل مربوط به سؤال سوم تحقیق
۶۷	نتایج تحلیل مربوط به سؤال چهارم تحقیق
۶۸	نتایج تحلیل مربوط به سؤال پنجم تحقیق
۷۰	نتایج تحلیل مربوط به سؤال ششم تحقیق
۷۱	نتایج تحلیل مربوط به سؤال هفتم تحقیق
۷۲	سؤالات جنبی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۷۴	خلاصه‌ای از داده‌های تحقیق
۷۹	بحث یافته‌های تحقیق
۸۱	نتیجه گیری کلی
۸۲	پیشنهادات کاربردی
۸۴	پیشنهادات پژوهشی

پیوست‌ها

۸۶	پرسشنامه سازگاری
۸۹	پاسخنامه سازگاری
۹۰	پرسشنامه محیط خانوادگی

منابع و مأخذ

۹۵	منابع فارسی
۹۹	منابع لاتین

چکیده به زبان انگلیسی

فهرست جداول

صفحه

عنوان

فصل دوم

- جدول ۱-۲: مدل چهار بعدی شیوه‌های فرزندپروری شیفرآزادی و خود مختاری ۱۶
- جدول ۲-۲: تعیین نوع شیوه فرزندپروری (اقتباس از بامریند، ۱۹۹۱) ۱۷

فصل سوم

- جدول ۳-۱: ابعاد، مفاهیم و شماره پرسش‌هایی که در پرسشنامه محیط خانوادگی ۵۹

فصل چهارم

- جدول ۱-۴: نمایش میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد بررسی در تحقیق ۶۳
- جدول ۲-۴: نمایش فراوانی هر کدام از شیوه‌های فرزندپروری در نمونه مورد مطالعه ۶۳
- جدول ۳-۴: نمایش میانگین و انحراف استاندارد سازگاری آزمودنی‌ها بر اساس سطوح کنترل و محبت ۶۴
- جدول ۴-۴: خلاصه تحلیل واریانس تأثیر محبت و کنترل بر سازگاری ۶۴
- جدول ۵-۴: نمایش میانگین و انحراف استاندارد پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها بر اساس سطوح محبت و کنترل ۶۵
- جدول ۶-۴: خلاصه تحلیل واریانس سطوح مختلف کنترل و محبت و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی ۶۶
- جدول ۷-۴: نمایش میانگین و انحراف استاندارد سازگاری آزمودنی‌ها بر اساس سطوح محبت و جنسیت ۶۶
- جدول ۸-۴: خلاصه تحلیل واریانس ابعاد محبت و جنسیت و تأثیر آن بر سازگاری ۶۷
- جدول ۹-۴: نمایش میانگین و انحراف استاندارد پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها بر اساس سطوح محبت و جنسیت ۶۸

- جدول ۴-۱۰: خلاصه تحلیل واریانس بعد محبت و جنسیت و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی ۶۸
- جدول ۴-۱۱: نمایش میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها بر اساس سطوح کنترل و جنسیت .. ۶۹
- جدول ۴-۱۲: خلاصه تحلیل واریانس ابعاد کنترل و جنسیت و تأثیر آن بر سازگاری ۶۹
- جدول ۴-۱۳: نمایش میانگین و انحراف استاندارد پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها بر اساس
سطوح کنترل و جنسیت ۷۰
- جدول ۴-۱۴: خلاصه تحلیل واریانس ابعاد کنترل و جنسیت و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی .. ۷۰
- جدول ۴-۱۵: نمایش میانگین، انحراف استاندارد و آزمون t مستقل (تفاوت سازگاری بین
دختر و پسر) ۷۱

چکیده

بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سوم متوسطه شهر برازجان سال تحصیلی ۸۶-۸۵

به وسیله: علیرضا رزمجو

هدف از انجام این پژوهش، تعیین رابطه شیوه‌های فرزند پروری با سازگاری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سوم متوسطه شهر برازجان است. نمونه آماری ۲۵۰ نفر دانش‌آموز با که روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از جامعه آماری مورد نظر برگزیده شدند، در این تحقیق شیوه‌های فرزندپروری بر اساس دو بعد محبت و کنترلی که بر فرزندان اعمال می‌کنند، به چهار شیوه استبدادی، اقتداری، کناره‌گیر و آسان‌گیر تقسیم و سطوح کنترل و محبت و جنسیت به عنوان متغیر مستقل و سازگاری و پیشرفت تحصیلی (معدل) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند.

برای سنجش متغیرها از مقیاس محیط خانوادگی شیفر (۱۹۶۵) که شامل دو بعد محبت و کنترل بود و همچنین پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی سینها و سینک (۱۹۹۳) و برای پیشرفت تحصیلی نیز از معدل نیم سال اول تحصیلی ۸۶-۸۵ دانش‌آموزان استفاده گردید.

در این تحقیق از روش آماری تحلیل واریانس دو طرفه و آزمون تی مستقل استفاده گردیده است. نتایج حاصله نشان داد که تأثیر تعاملی کنترل و محبت بر سازگاری و پیشرفت تحصیلی معنادار نیست. همین‌طور کنترل به تنهایی تأثیر معناداری بر سازگاری و پیشرفت تحصیلی ندارد، اما تأثیر محبت بر سازگاری در سطح $(P < ۰/۰۰۰۱)$ و همچنین بر پیشرفت تحصیلی در سطح $(P < ۰/۰۱)$ معنادار می‌باشد. تأثیر تعاملی کنترل و جنسیت در سازگاری و نیز پیشرفت تحصیلی نیز معنادار نبود. علاوه بر آن تأثیر تعاملی کنترل و جنسیت در سازگاری معنی‌دار نشد اما تأثیر تعاملی کنترل و جنسیت بر پیشرفت تحصیلی معنادار بود $(P < ۰/۰۰۲)$. بدین معنی که دخترها در شرایط کنترل پایین و پسرها در شرایط کنترل بالا پیشرفت تحصیلی بالاتری داشتند.

نتایج آزمون تی نیز نشان داد که بین سازگاری عمومی دخترها و پسرها تفاوت معناداری وجود دارد $(P < ۰/۰۰۲)$ و دخترها سازگارتر از پسرها هستند.

در پایان، نتایج حاکی از تأثیر بعد محبت در سازگاری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی می‌باشد.

فصل اول :

کلیات

انسان در محیطی به نام خانواده پا به عرصه وجود می‌گذارد. در آن محیط در کنار سایر افراد خانواده پرورش می‌یابد. هر کدام از افراد دارای ظرفیت و استعداد های ذاتی هستند که از پدر و مادر به ارث می‌برند و سپس تحت تأثیر و نفوذ عوامل محیطی قرار گرفته و تربیت می‌شوند. به عبارت دیگر، مجموعه استعدادهای و توانایی‌های ارثی و تأثیرات تربیتی مأخوذ از محیط شخصیت آن‌ها را می‌سازد و بنابراین در تشکیل شخصیت و تربیت انسان‌ها، خانواده بزرگترین نقش را دارد (جهانگرد، ۱۳۷۳).

رابطه والدین با فرزندان و جو عاطفی خانواده یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در رشد و پرورش استعدادهای و بالعکس عاملی مهم در جهت سوق دادن فرزندان به رفتارهای ناسازگارانه و ضد اجتماعی می‌باشد. متخصصان بهداشت روانی، عامل اصلی مشکلات رفتاری را به رفتارهایی نسبت می‌دهند که بین والدین و فرزندان وجود دارد. به نظر آنان خانواده به صورت یک مجموعه اصلی (پدر، مادر و فرزندان) می‌توانند تأثیری عمیق بر رفتار اولیه کودک داشته باشند (هالاهان و کافمن،^۱ ۱۹۹۴).

چگونگی ارتباط والدین با فرزندان، به عوامل مختلفی بستگی دارد، اما ارتباط هر چه بیشتر قوی‌تر و گرم‌تر باشد، اعتماد به نفس، شکیبایی، تلاش و پشتکار نوجوان در تحقق خواست‌های والدین افزایش می‌یابد و برعکس هر چه ارتباط ضعیف‌تر و سردتر باشد، همسوئی مسیرهایی که والدین مشخص می‌کنند کم‌تر خواهد شد و موفقیت تحصیلی فرزندان نیز در صورتی که جزء اهداف والدین باشد در گرو این روابط صحیح خواهد بود (شعله، ۱۳۸۳).

در ایجاد ارتباط مثبت و سازنده بین والدین و فرزندان عوامل زیادی مؤثر هستند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: احترام متقابل والدین به یکدیگر و فرزندان، ابراز محبت به شیوه‌های کلامی، تفاهم و همدلی

والدین و فرزندان، شناخت نگرش‌های یکدیگر، تعادل در اعطای امتیازات به فرزندان، مشخص نمودن مسئولیت‌ها، تعیین محدوده اختیارات و حقوق والدین و فرزندان، طرد و پذیرش متعادل، مشخص نمودن اصول انضباطی خانواده، هماهنگی در رفتار و گفتار همراه با صداقت (شعله، ۱۳۸۳).

خانواده نیز بر اساس تقسیم‌بندی (شیفر^۱، ۱۹۵۹) و (زیگلن^۲، ۱۹۹۹) و با توجه به دو بعد کنترل و محبتی که در روش‌های فرزند پروری خود به کار می‌برند به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱- مقتدر^۳ ۲- سهل‌گیر^۴ ۳- مستبد^۵ ۴- کناره‌گیر^۶ که هر کدام ویژگی خاص خود را دارد و فرزندانی که طبق هر کدام از این شیوه‌ها تربیت و پرورش می‌یابند با دیگری متفاوت خواهد بود و این تفاوت بستگی به نوع پرورش و طرز برخورد با فرزند دارند. برخورد با محبت یا به سردی و همچنین با کنترل بالا یا بدون کنترل و سهل‌انگار، نوجوانانی با خلق و خوی متفاوت وارد جامعه می‌کند که اگر به طریق صحیح پرورش نیافته باشند، زودتر دچار آفت‌های جامعه خواهند شد و امکان اصلاح و درمان آن‌ها بسی مشکل‌تر از تصحیح تربیت و پرورش اولیه والدین در کودکی و نوجوانی آنها خواهد بود. بزهکارانی که جامعه امروز ما را تهدید می‌کنند روزی کودکی بیش نبودند که در محیط گرم خانواده و در سایه تربیت صحیح می‌شد آن‌ها را جوانانی مثبت و سازنده و سازگار با محیط تربیت کرد.

برای سازگاری مطلوب نوجوان، نیازهای اساسی از جمله نیاز به محبت و امنیت، نیاز به تعلق خاطر و نیاز به فلسفه زندگی ارضا کننده (معنی جویی)، نیاز به موفقیت (احساس ارزش کردن)، نیاز به همدلی و همدردی (تفاهم)، نیاز به مقبولیت (پذیرش گروه) و نیاز به درک ارزش‌های اخلاقی باید برآورده شود (شرفی، ۱۳۶۸).

نقش محیط، به خصوص محیط خانه در سازگاری یا سازش نایافتگی بسیار با اهمیت است. شوک‌های عاطفی شدید یا هیجان‌های مداوم و طولانی نیز تأثیر خود را بر سازگاری نوجوان خواهند داشت. به نظر می‌رسد عامل خانواده در حفظ سلامت روان نوجوان نقش تعیین کننده و محوری دارد. والدینی که نگرش و رفتار آنها زمینه پذیرش بیش‌تری فراهم کند، منبع اهمیت برای نوجوانان نگران و مضطرب خواهند

- 1- Schaefer
- 2- Sigelman
- 3- Autoritative
- 4- permissive
- 5- Authoritarian
- 6- Uninvolved

بود. برعکس والدین سخت گیر و خشن مانع رشد و تکامل و استقلال آنها می شوند. خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که ضمن توجه به انتظارات نوجوانان، محیط امن عاطفی، احساس ارزشمندی، احساس تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را تأمین می کند (ملکی ۱۳۸۲).

با توجه به خصوصیات بارز دوره نوجوانی از جمله استقلال طلبی، مخالفت جویی و تغییرات جسمی و روانی و تشدید بعضی از رفتارهای جامعه گرایانه و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این عوامل در عملکرد تحصیلی آنها، دقت و توجه بیش تر والدین در تربیت فرزندان را می طلبد. لیکن پرداختن به رابطه سازنده و سازگار آنها با نوجوانان و توجه به سلامت و بهداشت روانی^۱ آنها تأثیر فراوانی بر الگوهای رفتاری آنها دارد. همچنین نوع برخورد و روش های ارتباط غلط والدین، بسیاری از مشکلات سازگاری با این دوره و محیط را فراهم کرده و ممکن است مانع پیشرفت آنها در مقاطع تحصیلی و اجتماعی شود. با توجه به این موارد، در این پژوهش به بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با سازگاری^۲ و پیشرفت تحصیلی^۳ در دانش آموزان پرداخته می شود.

1- Mental health
2- Adjust ment
3- Academic Achievement

بیان مسأله

یکی از مسائل مهم بهداشتی- روانی- اجتماعی امروز، موضوع کودکان و جوانان ناسازگار است. تعداد بزهکاری‌هایی که به دست افراد نابالغ صورت می‌گیرد، روزافزون است و روش‌های قدیمی، به ویژه تنبیهات بدنی شدید نیز در جلوگیری از این افزایش مؤثر نبوده است. تحقیقات دامنه‌داری در مورد علل ناسازگاری آنان به عمل آمده است و مهم‌ترین عامل که ایجاد رفتارهای ناسازگارانه وضع نامطلوب خانوادگی است (شاملو، ۱۳۸۰).

سازگاری به معنای توانایی آمیزش، انطباق، مصالحه، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط و دیگران است تعاملی دو سویه که دو طرف آن احساس پیروزی لذت و رضایت می‌کنند. سازگار کسی است که از سلامت روان برخوردار باشد و کسی از نظر روانی سالم است که مهارت‌های سازگاری را داشته باشد و بتواند آن‌ها را به کار گیرد (فولادی، ۱۳۸۳).

برای رسیدن به سازگاری و انعطاف‌پذیری در زندگی عواملی چند مهم است. به طور کلی به کارگیری مثلی از عوامل حفاظتی به عنوان یک سیستم حمایتی، شامل آمادگی مثبت شخصیتی، حلقه به هم پیوسته خانوادگی با محیطی یاری بخش و عملکرد بیرونی اجتماعی، مورد تأیید است. مراحل سازگاری یا عدم سازگاری نیز عبارت است از: وجود انگیزه، محرومیت و یا تعارض، تنش عاطفی، پاسخ، کم شدن تنش و تأثیر سازگاری همیشه به معنای کم شدن هیجان عاطفی تعریف می‌شود (شاملو، ۱۳۸۰).

ناسازگاری فرزندان از مسائل مهم خانواده‌ها و مدارس و از پدیده‌هایی است که در عصر ما جلوه‌های بیش‌تری پیدا کرده و موجب عوارض بسیاری است، چه بسیارند مسائل و مشکلاتی که در جامعه امروز ما وجود دارند و نشأت گرفته از ناهنجاری‌های رفتاری کودکان و نوجوانان است. این مسأله پدیده‌ای است که شدیداً تحت تأثیر شرایط خانواده و جامعه است. یکی از متغیرهای بنیادی که به راه‌های گوناگون بر فرد مؤثر است و در رفتارهای حال و آینده او تأثیر انکارناپذیر دارد شیوه‌های فرزند پروری است.

هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان به کار می‌گیرد، این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزند پروری نامیده می‌شود، متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیره می‌باشد (হারدی^۱ و همکاران، ۱۹۹۳). شیوه تربیت و پرورش فرزندان عاملی

مؤثر در رشد و تکامل شخصیت و ابزاری جهت جامعه‌پذیری و سازگاری با محیط اجتماعی است. اگر خانواده‌ای دچار اختلال و نابسامانی باشد و کارکرد و نقش اصلی خود یعنی تربیت و پرورش را از دست بدهد، فرایند جامعه‌پذیری به خوبی انجام نمی‌شود. در این وضعیت فردی که وارد عرصه‌های مختلف اجتماعی شده است دچار بحران می‌شود و نمی‌تواند خود را با ارزش‌های پذیرفته شده جامعه هم‌نوا کند (قائمی، ۱۳۶۹).

اعمال روش‌های نامطلوب در تربیت فرزندان از طرف والدین باعث عواقب نامطلوب روانی، اخلاقی و اجتماعی در کودکان می‌شود و در آینده آنها دچار عقده‌های روانی و اخلاقی می‌شوند و اغلب این کودکان، گوشه‌گیر، خجالتی، و یا خود سر و حسود و از لحاظ تصمیم‌گیری ناتوان و وابسته و اغلب در کارها ناموفق خواهند بود. این گونه کودکان بیش‌تر به اذیت و آزار دیگران می‌پردازند و به این صورت عقده‌های اخلاقی و روانی خود را تشکیل می‌دهند. پس والدین باید دقت کنند که کودک امروز، پدر و مادر دنیای آینده است. برای جلوگیری از کجروی‌ها و ایجاد سازندگی از عواملی که مانع پیشرفت و رشد صحیح جسمی و فکری کودک می‌گردد باید خودداری کرد. بنابراین والدین می‌بایست تعادلی در امر تربیت فرزندان خود داشته باشند و از اعمال روش‌های نامطلوب در امر تربیت پرهیز نمایند (بهرامی، ۱۳۸۰).

همچنین نوع روش‌های تربیتی والدین و روابط با فرزندان تعیین‌کننده پیشرفت یا افت تحصیلی آنها خواهد بود. با توجه به انواع روش‌های تربیتی در خانواده بر حسب نوع کنترل و همچنین ابراز محبت، پذیرش یا طرد آنها، زمینه بسیاری از مشکلات روحی روانی و تحصیلی فرزندان بوجود خواهد آمد.

علاوه بر این تفاوت‌هایی نیز در برخورد با فرزندان دو جنس وجود دارد و ممکن است نوع برخورد والدین با فرزند دختر و پسر نیز تفاوت‌هایی در میزان رشد سازگاری و پیشرفت تحصیلی آنها به وجود آورد و این بستگی به نوع فرهنگ والدین، سطح تحصیلات، سن و شیوه‌های تربیتی آنها دارد.

با توجه به دوران حساس و بحرانی نوجوانی، که دوره انتقالی از کودکی به بزرگسالی است و دشوار و پر کشمکش به نظر می‌رسد، نوجوان از یک طرف شاهد تغییرات جسمی و جنسی خویش می‌باشد و از طرف دیگر جامعه، خانواده و فرهنگ از او انتظار استقلال و کسب مهارت‌های مهم برای زندگی شغلی و اجتماعی دارند. این عوامل مهارت‌هایی را برای سازگاری و کنار آمدن ایجاب می‌کنند. ضمن این که نوجوان

باید به دنبال یک هویت منسجم نیز برای خود باشد، نوجوانان با شرایط استرس‌زای مختلفی از مسائل روزمره گرفته تا اتفاقات بزرگ زندگی روبرو هستند (کمپاس، ۱۹۸۷، به نقل از هییتی، ۱۳۸۱).

با توجه به مطالب بیان شده، آیا رابطه‌ای بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی وجود دارد؟ آیا هر کدام از ابعاد تربیتی نظیر محبت و کنترل در سطح کم یا زیاد تأثیر متفاوت از دیگری بر روی سازگاری و پیشرفت تحصیلی خواهد گذاشت؟ آیا جنسیت فرزندان نیز نقشی در ارائه شیوه‌های تربیتی، سازگاری و پیشرفت تحصیلی دارد؟ همچنین آیا بین سازگاری دختران و پسران در هر کدام از حوزه‌های سازگاری نظیر حوزه عاطفی، اجتماعی و آموزشی تفاوت معناداری وجود دارد؟

با توجه به نقش حمایتی خانواده در پرورش استعدادها و فرزندان، پیشرفت تحصیلی، سلامت روان و رشد مهارت‌های سازگاری و همچنین تلاش برای ایجاد جامعه‌ای سالم با جوانانی با روحیه سازگار و انعطاف‌پذیر و دور از آسیب‌های اجتماعی؛ در این پژوهش سعی بر آن است که رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی در نوجوانان سوم متوسطه مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با نگاهی به محیط زندگی افراد مختلف در جامعه، مسائل و رویدادهایی از جمله بی‌تفاوتی، تبعیض، بی‌احترامی، رفتار تحقیرآمیز، نادیده انگاشتن توانایی و محیط عاطفی نامناسب، که سازگاری و در کل بهداشت روانی افراد را به خطر می‌اندازد، مواجه هستیم. بسیاری از این رفتارها ممکن است عمدی نباشند. آنچه مسلم است افراد زیادی طالب سازگار شدن با مسائل و مشکلات شخصی، اجتماعی و محیطی هستند ولی اصول بهداشت روانی و سازگاری را نمی‌دانند. خانواده به عنوان اولین کانون پرورش فرزندان نقش مهمی را در رشد سازگاری و تأمین سلامت روان آنان به عهده دارد ریشه بسیاری از ناسازگاری‌های رفتاری دانش‌آموزان از روابط اولیاء با خود و با فرزندان نشأت می‌گیرد (فولادی، ۱۳۸۳).

دانش‌آموزانی که در مدرسه خوب عمل نمی‌کنند، ممکن است از فقر، خشونت، ناامیدی یا بیماری روانی در خانواده‌هاشان در رنج باشند و به علت از هم گسیختگی و مشکلات روانی اجتماعی، با آشفتگی در مدرسه حضور یابند. همچنین به دلیل مشکلات، بیش‌تر به چشم آیند و همین امر موجب آسیب‌پذیری آنها شود. در نتیجه ممکن است بخشی از تمرکز و توجه آنها معطوف به این مسائل باشد و نتوانند از تمام

توان و ظرفیت‌شان استفاده نمایند. مشکلات خانوادگی، هیجان و یا احساس این که هیچ کس غمخوار آن‌ها نیست، یا به آن‌ها توجهی ندارد موجب می‌شود که آنها در مدرسه یا مراحل بعدی زندگی، به خوبی ایفای نقش نکنند و دارای هویت قوی نشوند. از این رو می‌توان گفت، کودکانی که از فقر مهارت‌های زندگی و بهداشت روانی رنج می‌برند تحت فشار روانی محیطی هستند احتمالاً در صورت بی‌توجهی در آینده از کارکرد مثبتی برخوردار نخواهند شد (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۳).

الگوهای رفتاری متقابل والدین و فرزندان از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد و شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان است. خانواده هسته اولیه شکل‌گیری هویت فرد است. در آغاز نوجوانی شخص می‌تواند به راحتی موقعیت خود را در میان خانواده خویش و همچنین موقعیت خانواده خود را در جامعه تشخیص دهد و احساس تشخیص فردی و اجتماعی کند (سبحانی جو، ۱۳۸۳).

از اولین و مهم‌ترین وظایف خانواده‌ها، ایجاد احساس تعلق، دوست داشتن و امنیت خاطر برای فرزندان است. اگر آن‌ها احساس کنند که از طرف والدین خود به رسمیت شناخته شده و آنها به تعلیم و تربیت و آینده تحصیلی و شغلی ایشان علاقه‌مندی نشان دهند، عواطف و احساسات‌شان شکوفا می‌شود. هر چه نیازهای روانی فرزندان بیش‌تر تأمین شود، جامعه‌پذیری و رشد اخلاقی و اجتماعی آن‌ها هم زودتر و هم مطلوب‌تر صورت می‌گیرد، ولی کمبودهای عاطفی موجب شکست و شکنندگی خواهد شد و فرزندان که تمایلات‌شان که مربوط به محبت است ارضا نشود افرادی خواهند شد لجوج و جنایت کار، سخت دل و خشن که حتی ممکن است در مواردی شرف و حیثیت انسانی خود را نیز نادیده بگیرند (قائمی، ۱۳۶۹).

به دلیل حساسیت دوره نوجوانی، وظیفه اصلی والدین در این دوره بحرانی، سازش با این واقعیت‌ها و پذیرش وضعیت جدید است نه مقابله و رویارویی با آن‌ها. والدینی که سنگ بنای شخصیت کودک را پی‌ریزی می‌کنند در دوره نوجوانی نقش مهمی در اجتماعی شدن او دارند (جهانگرد، ۱۳۷۳).

با توجه به گزارش مرکز مشاوره آموزش و پرورش شهرستان دشتستان بالاترین آمار دانش‌آموزان ارجاعی از مدارس مربوط به گروه ناسازگار و ناهنجاری‌های رفتاری، مخصوصاً در میان پسران می‌باشد که این گروه از لحاظ پیشرفت تحصیلی نیز در سطح پایین‌تری نسبت به دیگر دانش‌آموزان قرار دارند و در

اظهارات خویش نیز اشاره‌ای به جو نامطلوب خانوادگی خود دارند. و خانواده را نیز در نوع رفتار خویش دخیل می‌دانند بنابراین لازم و ضروری است که بیشتر در این مورد تحقیق شود و به بررسی رابطه شیوه‌های تربیتی والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی آنها پرداخته شود.

همچنین با توجه به نقش والدین در پرورش فرزندان و رشد مهارت‌های سازگاری در آنها جهت جامعه‌پذیری و حفظ بهداشت روانی و همچنین کمک به رشد استعدادها و توانمندی‌های تحصیلی و علمی، اهمیت و ضرورت نظری این تحقیق در این است که با توجه به ناهنجاری‌های رفتاری جوانان در جامعه، بالا رفتن آمار جرم و جنایت و بزهکاری، اعتیاد و فرار از منزل، انزوایلی و افسردگی، افت یا ترک تحصیل که در اثر روابط سرد، غیرصمیمانه و خشن با فرزندان و یا وابستگی بیش از حد فرزندان به خانواده و ضعف در رشد اجتماعی آنان، به علت کنترل و وابستگی شدید به والدین ایجاد می‌شود می‌توان خانواده‌ها را آگاه ساخته تا با در نظر گرفتن این موارد و پیش‌بینی پیامد روش‌های تربیتی خود با فرزندان، به اصلاح و بازسازی روابط خود با آنها بپردازند.

اهمیت و ضرورت عملی این تحقیق نیز ضمن توجه به این موارد در پی آن است، تا روش‌های صحیح تربیتی را معرفی نموده و به بیان نکات مثبت و منفی و تعدیل هر کدام از شیوه‌های تربیتی پرداخته و با ارائه راه‌حل‌هایی جهت پیشبرد اهداف صحیح آموزش و پرورش، خانواده‌ها را در رسیدن به این اهداف یاری کنند و از این طریق موانع رشد و پیشرفت تحصیلی، سازگاری و انعطاف‌پذیری با جامعه را از میان برداشته، تا جامعه آینده دارای جوانانی سازگار، سالم و توانمند باشند.

سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی تحقیق

- ۱- آیا دو بعد محبت و کنترل والدین تأثیر بر روی سازگاری دانش‌آموزان دارد؟
- ۲- آیا دو بعد محبت و کنترل والدین تأثیر تعاملی بر روی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد؟
- ۳- آیا محبت والدین و جنسیت فرزندان تأثیر تعاملی بر سازگاری آنان دارد؟
- ۴- آیا محبت والدین جنسیت فرزندان تأثیر تعاملی بر پیشرفت تحصیلی آنان دارد؟
- ۵- آیا کنترل والدین و جنسیت فرزندان تأثیر تعاملی بر سازگاری آنان دارد؟